

## دل و ذهن

تیموتی ویتمر

هنگامی که برای نخستین بار با اصطلاح دل و ذهن روبرو می‌شوید، احتمالاً به یاد حکم بزرگ می‌افتید، که می‌گوید «خداوند خدای خود را به همه‌ی دل و تمامی نَفَس و تمامی فکر خود محبت نما» (متی ۲۲: ۳۷) فکر می‌کنید. عیسی به شنوندگان خود یادآوری می‌کند که باید خداوند را با تمام وجود خود دوست داشته باشند. گرچه گاهی اوقات به نظر می‌رسد که این دو اصطلاح به جای یکدیگر به کار رفته‌اند، اما می‌توانند متمایز از یکدیگر باشند. واژه «نَفَس» برای توصیف کل وجود یک شخص به کار رفته، که تا ابد وجود خواهد داشت (مرقس ۸: ۳۶). در ادامه‌ی این مقاله، به بررسی دقیق‌تر تفاوت‌های کتاب مقدسی میان دل و ذهن خواهیم پرداخت.

به زبان ساده، ذهن به افکار ما مربوط می‌شود و دل نمایانگر عواطف و آنچه واقعاً بر ایمان اهمیت دارد. در رابطه با حکم بزرگ مبنی بر دوست داشتن خداوند با تمام دل، نَفَس و فکر، روشن است که ما به این استاندارد نمی‌رسیم. در واقع، ما حتی نزدیک به آن هم نیستیم. کتاب مقدس تعلیم می‌دهند که دل‌ها و ذهن‌های ما توسط گناه فاسد شده‌اند. ارمیا می‌گوید: «دل از همه چیز فریبنده‌تر است، و بسیار مریض است، کیست که آن را بداند؟» (ارمیا ۱۷: ۹). در مورد ذهن، کتاب مقدس به بررسی تأثیر «نوئتیک» سقوط اولین زوج بشری پرداخته است. واژه «نوئتیک، *noetic*» از کلمه‌ی یونانی برای «ذهن»، یعنی «نوس»، گرفته شده است. پولس در خصوص افکار سقوط کرده می‌نویسد: «زیرا ذهنی که بر جسم متمرکز است، با خدا دشمنی می‌ورزد» (رومیان ۸: ۷).

اما فرض بر اینکه دل و ذهن دو مفهوم کاملاً جدا از هم یا مستقل از یکدیگر هستند، اشتباه است. کتاب مقدس دل را، که جایگاه عواطف است، به عنوان سیستم عاملی می‌داند که بر عملکرد دیگر جنبه‌های وجود ما تأثیر می‌گذارد. «دل خود را به حفظ تمام نگاه‌دار، زیرا که مخرج‌های حیات از آن است» (امثال ۴: ۲۳). گرایش دل بر افکار و رفتارهای ما تأثیر می‌گذارد. به این نکته توجه کنید که چگونه این دو در پیدایش ۶: ۵ با هم پیوند خورده‌اند: «و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصوّر از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است.» دل منشأ افکار و نیت‌های شرورانه است. پولس این دورا در افسسیان ۴: ۱۸ به هم پیوند می‌زند: «که در عقل خود تاریک هستند، و از حیات خدا محروم، به سبب جهالتی که به جهت سخت‌دلی ایشان در ایشان است.» دلیل «تاریکی فهم» و نادانی آن‌ها، سختی دل آن‌ها است.

هنگامی که عیسی دشمنان خود را به سطحی بودن و شریعت‌گرایی متهم می‌کند، همین پیوند را برقرار می‌کند: «آدم نیکو از خزینه خوب دل خود، چیز نیکو برمی‌آورد و شخص شریر از خزینه بد دل خویش، چیز بد بیرون می‌آورد. زیرا که از زیادت‌ی دل زبان سخن می‌گوید» (لوقا ۶: ۴۵). این ارتباط از دل به کلام و رفتارهای ما گسترش می‌یابد.

این دلیلی است که نمی‌توانید کسی را تنها از طریق «بحث» به پادشاهی خداوند وارد کنید. بله، مسیحیت کاملاً منطقی و عقلانی است، اما این ویژگی‌ها بدون داشتن قلبی دگرگون شده قابل درک نیستند. دل، که سیستم عملیاتی فرد است، باید متحول شود. این دقیقاً همان چیزی است که خداوند در حزقیال ۳۶: ۲۶ وعده داده است: «و دل تازه به شما خواهیم داد و روح تازه در اندرون شما

خواهم نهاد. و دل سنگی را از جسد شما دور کرده، دل گوشتین به شما خواهم داد.» تبدیل افکار ما تنها زمانی به طور واقعی آغاز می‌شود که دل تازه‌ای دریافت کنیم.

دل و ذهن هر دو در این فرایند تبدیل دخالت دارند. در مورد ذهن، ضروری است که حقایق انجیل (*notitia*) شناخته شوند. صرف دانستن حقایق کافی نیست، بلکه باید حقایق انجیل را نیز تأیید کرد (*assensus*). همچنین ضروری است که این حقیقت با گرمی پذیرفته و دریافت شود (*fiducia*). این پذیرش نهایی حقیقت دل را در توصیف کامل ایمان نجات‌بخش درگیر می‌کند.

همه این‌ها به یک جهت‌گیری جدید در تمام جنبه‌های زندگی منتهی می‌شود. از این لحظه به بعد، ما فراخوانده شده‌ایم تا با فعال کردن ذهن‌مان، دل‌های خود را برای خدا تقویت و استحکام ببخشیم. عهد جدید زبانی شگفت‌انگیز در این زمینه دارد. پولس در نامه‌اش به رومیان می‌نویسد: «و همشکل این جهان مشوید؛ بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده‌ی نیکوی پسندیده کامل خدا چیست.» (رومیان ۱۲: ۲). کلمه‌ای که به عنوان «تبدیل» ترجمه شده، همان کلمه‌ای است که از آن کلمه *metamorphosis* گرفته شده است. هنگامی که این کلمه را می‌شنویم، اغلب به یاد تغییر تدریجی که در رشد یک پروانه اتفاق می‌افتد می‌افتیم. شباهت آن با ما در این است که تغییر تدریجی در نحوه فکر کردن ما نیز رخ می‌دهد. ما دیگر نباید به افکار زمینی خود محدود شویم، بلکه باید دیدگاهی نو را توسعه دهیم که از حالت افقی فراتر رفته و دیدگاهی عمودی (با خدا) را شامل شود. پولس در نامه خود به کولسیان این مطلب را به این شکل بیان می‌کند:

«پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بطلبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته. در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است. زیرا که مرید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است.» (کولسیان ۳: ۱-۳)

مهم است بدانیم که سیر استدلالی پولس برای این نیست که رویکردی را به ما برساند که «آنقدر آسمانی است که فایده‌ای برای دنیای ما ندارد» دقیقاً برعکس آن درست است: اگر به کلام او در رومیان برگردیم، می‌فهمیم که نو شدن ذهن ما برای این است که بتوانیم «اراده نیکوی پسندیده کامل خدا» را تشخیص دهیم؛ مفهوم آن این است که این امر به یک سبک زندگی تبدیل می‌شود که محبت ما را نسبت به خالق و نجات‌دهنده‌مان آشکار می‌کند. در حالی که محبت ما در این سوی آسمان هرگز کامل نخواهد بود، اما خدا روح و کلام خود را به ما داده تا زمانی که با او ملاقات کنیم، دل‌ها و اذهان ما را منور می‌کند.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.

**دکتر تیموتی ز. ویتمر**، شبان کلیسای اصلاح شده‌ی استفان مقدس در نیو هلند، پنسیلوانیا، و پروفیسور بازنشسته‌ی الهیات عملی در دانشکده‌ی الهیات وست‌مینستر در فیلادلفیا است. او نویسنده‌ی «تصویر ذهنی و رهبرِ شبان» است.